

مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام

فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام

تاریخ دریافت: ۸۸۰۹/۰۲ تأیید: ۸۸/۱۱/۲۸

محمد حسن ملکی *

چکیده

نوشته حاضر با سه رویکرد روایی، تاریخی و عقلی، به اثبات فرضیه خود (مهدی موعود فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام) پرداخته و در ختام مقاله، شبهات برخی معاصران در انکار مهدویت و نیز اتهام بایه و بهائیه بر شیخ احمد احسانی و سید رشتی مبنی بر وعده ظهور و تطبیق مهدی موعود بر باب و بهاء نقل و نقد خواهد شد.

واژگان کلیدی: مهدی موعود، ادله روایی و عقلی و تاریخی، حیات مهدی، حجت، باییت و بهائیت.

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

طرح مسئله

فرجام تاریخ بشریت مطابق اکثر متون دینی، نیکو، زیبا و شیرین خواهد بود. بنا بر آیات متعدد، سرنوشت نهائی جامعه انسانی حاکمیت صالحان و مستضعفان و به تعبیری غلبه حکومت عدل و داد بر حکومت جور و ظلمت خواهد بود:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»
(انبیاء: ۱۰۵)؛

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»
(نور: ۵۵)؛

«وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵).

با توجه به روایات متعدد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۵۱، ۶۵) در تفسیر مضمون آیات پیش گفته و تطبیق آن بر مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه ظهور ایشان نیز مستند بر قرآن خواهد بود.

بر اساس آیات قرآن کریم و روایات صریح و متعدد فریقین، فرزندی از نسل حضرت فاطمه علیها السلام به نام «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه» متولد خواهد شد. در روایات متعدد شیعی تأکید شده که این موعود از نسل امام یازدهم امام حسن عسکری علیه السلام خواهد بود که بعد از تولدش مدت مدیدی مانند آفتاب پشت ابر در سرا پرده غیبت انتظار ظهور خود را خواهد کشید و با ظهورش خان عدالت و توحید الهی را بسط و ظلم و جور را از زمین برخواهد چید.

نکته قابل تأمل این که چنان که در روایات مهدویت پیش‌بینی شده با اطاله زمان غیبت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه بعضی در اصل وجود و حیاتش تردید نموده و به انکار وی خواهند پرداخت. این پیش‌بینی روایات در دوران گذشته تحقق

یافته است که به شکل بارز می‌توان به فرقهٔ باییت و بهائیت اشاره کرد که بنیانش بر انکار «مهدویت» به معنای تولد فرزندی از نسل امام حسن عسکری علیه السلام و انکار ظهور وی بعد از عصر غیبت استوار است.

علی محمد شیرازی بعد از فوت استادش سیدکاظم رشتی (دومین معمار شیخیه) مدعی ارتباط خاص با مهدی موعود شد و خود را باب (در و پل) امام زمان نامید (باب، ۱۲۶۱ق: ۳). و تا آخر هم به همین نام مشهور شد.

باب در گام دیگر، خود را امام زمان و مهدی موعود نامید (باب، [بی‌تا]، بیان فارسی: ۴۳ و ۴۵؛ الواح باب، قسمت اول: ۱۲ و ۱۷). در مرحلهٔ سوم و به تعبیری وقتی باب مشاهده کرد پیروان چشم بسته دارد، مدعی مقام الوهیت شد. برخی مبلغان نامی بهائیت مانند ابوالفضل گلپایگانی برای توجیه ادعای مهدویت باب مدعی شده‌اند که اصلاً امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشتند (گلپایگانی، ۲۰۰۱: ۱۱ و ۱۱۷ و ۱۱۸).

این مقاله با اثبات وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام به نام حضرت محمد بن حسن عسکری رضی الله تعالی عنه و تطبیق آن بر عنوان مهدی موعود اسلام و روایات متعدد، کذب ادعای دوم باب و بهائیت (فرزند نداشتن امام یازدهم و تطبیق مهدویت بر باب) را آشکار می‌کند.

ادلهٔ تطبیق مهدی موعود بر محمدبن حسن عسکری رضی الله تعالی عنه

برای اثبات فرضیهٔ تحقیق، یعنی تطبیق مهدی موعود بر فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و ضرورت زنده بودن آن حضرت در دوران غیبت، از سه رویکرد ذیل استفاده خواهد شد:

یکم: روایات

پیرو آیات پیش گفته، روایات متعدد از پیامبر اسلام ﷺ از طریق اهل سنت و شیعه مبنی بر ظهور منجی عالم بشریت از نسل حضرت فاطمه علیها السلام و به نام «مهدی» و «قائم»، جهت بسط عدل و داد در جهان پس از امتلاء جهان به ظلم و جور، گزارش شده است.

چنانکه اشاره شد، این مدعا مورد اتفاق اهل سنت، اعم از متقدم و معاصر است و بیشترشان روایات آن را در حد متواتر دانسته‌اند که می‌توان به سیوطی *(الحاوی للفتاوی: ۲، ۱۲۸)*، ابن‌قیم جوزی *(المنار المنیف فی الصحیح والضعیف: ۱۳۵ - ۱۴۱)*، ابن‌حجر عسقلانی *(فتح الباری: ۵، ۳۶۲)*، ابن‌حجر هیثمی *(الصواعق المحرقة: ۲، ۲۱۱)*، تفتازانی *(شرح المقاصد: ۲، ۶۲)*، مودودی *(البینات: ۱۱۶)* و شیخ ناصرالدین البانی *(مجلة التمدن الاسلامی، شماره ۲۲: ۱۶ و ۳۵ و ۳۶)* اشاره کرد.

برخی دیگر از اهل سنت، روایات مهدویت را حدیث صحیح تفسیر کردند؛ از جمله: ترمذی *(سنن ترمذی: ۳، ۳۴۳)*، حاکم نیشابوری *(المستدرک: ۴، ۴۶۵)*، بیهقی *(المنار المنیف: ۱۳۰)*، ابن‌اثیر *(تحاف الجماعة، ۱: ۶)*، قرطبی *(التذکره: ۲، ۲۹۹)*، ابن‌منظور *(لسان العرب: ۲۵، ۳۵۴)*، ابن‌تیمیه *(منهاج السنة: ۴، ۲۱۱)*، ذهبی *(تلخیص المستدرک: ۴، ۴۶۳)* و دیگران، که حدوداً پنجاه شخصیت می‌شوند *(نقل از رضوانی، ۱۳۸۴: ۱۴۳)*.

مسئله مورد اختلاف، زنده بودن حضرت مهدی موعود فیه التوفیق و نسبت ایشان به امام حسن عسکری علیه السلام به منزله پدرشان است، که شیعه

امامیه بر آن اتفاق نظر دارد، اما برخی از اهل سنت منکر این خصوصیت شدند. با وجود این، جمعی از آنان تطبیق مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه بر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را پذیرفتند؛ مانند: محمد بن یوسف شافعی (کفایة الطالب: ۳۱۲) (م ۶۵۸ ه. ق)، عبد الوهاب شعرانی حنفی (الیواقیت والجوهر: ۲، ۱۲۷)، عبد الرحمن جامی حنفی (شواهد النبوة: ۴۰۴)، قاضی بهلول بهجت افندی (المحاكمة فی تاریخ آل محمد: ۲۴۶)، صدرالدین حموی (فرائد السمطين: ۲، ۱۳۲)، جهت اطلاع بیشتر ر.ک: قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۳، ۳۵۰ و رضوانی، ۱۳۸۴: ۶-۱۷۲).

برخی پژوهشگران، از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چهارصد حدیث در منابع روایی اهل سنت و حدود شش هزار حدیث در منابع شیعی و سنی درباره وجود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه گزارش کرده‌اند (ر.ک: صافی گلپایگانی، [بی تا]، ج ۱ و ۲). با وجود چنین روایات گسترده‌ای، مجالی برای انکار وجود و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه وجود ندارد. ما اینجا فقط محض نشان دادن قطره‌ای از دریا، به چند روایت در اثبات مدعای شیعه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام اشاره‌ای می‌کنیم:

روایات نبوی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایات گوناگون، به ظهور منجی عالم بشریت از نسل خود از طریق حضرت فاطمه علیها السلام، امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام تأکید می‌کرد؛ مانند:

«تسعة من ولد الحسين تاسعهم قائم امتی، یملا الأرض قسطاً وعدلاً كما

مُلئت جوراً وظلماً» (صدوق، ۱۳۸۴: ۱، ۴۸۳)

«التاسع منهم قائم اهل بیتی» (همان: ۴۸۴)

پیامبر اسلام ﷺ در جواب به سؤالی درباره اسامی ائمه، به صورت دقیق به شمردن اسامی آن بزرگواران مطابق اعتقاد شیعه پرداخت و در وصف امام یازدهم و دوازدهم فرمود:

«ثم الزکی الحسن بن علی ثم ابنه القائم بالحق مهدی أمتی»
(همان: ۴۸۶؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۵۳۴).

شیخ صدوق مشابه این روایات در کتاب گرانقدر خود، کمال الدین، از پیامبر اسلام ﷺ ۳۷ روایت نقل کرده است که به دلیل پرهیز از اطاله کلام، خواننده فاضل را به ملاحظه آنها در همان کتاب ارجاع می‌دهیم.

روایات امامان

ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه به عنوان امام دوازدهم از نسل پیامبر ﷺ به صورت‌های متعدد و متواتر در روایات ولوی نیز مورد تأکید قرار گرفته است که با اشاره از آن می‌گذریم.

۱. روایات امام علی علیه السلام: شیخ صدوق در همین کتاب خود، از امام علی علیه السلام نوزده روایت در موضوع بحث گزارش می‌کند؛ مانند اینکه حضرت در پاسخ پرسش یاران خود درباره علت تفکرش فرمود:

«فكرتُ في مولود يكون من ظهري الحادي عشر من ولدي هو المهدي يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً» (صدوق، ۱۳۸۴: ۱، ۵۳۹؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۳۳۸).

۲. امام حسن علیه السلام:

«ذلك التاسع من ولد أخي الحسين ابن سيدة الأمام يطيل الله عمره في غيبته» (همان: ۵۸۲)

۳. امام حسین علیه السلام :

«قائم هذه الامة هو التاسع من ولدى وهو صاحب الغيبة وهو الذى يُقَسَّم ميراثه وهو حى» (همان: ۵۸۳).

در این حدیث امام علیه السلام مسئله تقسیم ارث حضرت توسط خلیفه عباسی بین برادر حضرت، جعفر کذاب و مادرش را پیش‌بینی فرموده است.

۴. امام سجاد علیه السلام :

«القائم منا تُخْفَى ولادته على الناس حتى يقولوا: لم يولد بعد» (همان: ۵۹۲)

۵. امام باقر علیه السلام : آن حضرت پس از نقل اسامی دوازده امام فرمود:

«الثانى عشر الذى يُصَلَّى عيسى بن مريم خلفه، سنته والقرآن الكريم» (همان: ۶۰۵)

ایشان همچنین فرمود:

«يكون تسعة أئمة بعد الحسين بن عليّ، تاسعهم قائمهم» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۵۳۳)

۶. امام صادق علیه السلام : آن حضرت در پاسخ سؤال از «مهدی» فرمود:

«الخامس من ولد السابع يغيب عنكم شخصه ولا يحل لكم تسميته» (صدوق، ۱۳۸۴: ۲، ۴ و ۳).

آن حضرت در روایت دیگر، در پاسخ به سؤالی درباره امام بعدی به صورت دقیق و شفاف فرمود:

«الامام من بعدى ابنى موسى والخلف المأمول المنتظر» «م ح م د» ابن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی» (همان: ۴)

شیخ صدوق ۵۷ روایت از امام صادق علیه السلام درباره «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه» گزارش کرده است (همان: ۲، ۳۳).

۲. امام کاظم علیه السلام :

«القائم الذی يطهر الأرض من اعداء الله عزوجل ويملاها عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً هو الخامس من ولدی له غيبة يطول امدها خوفاً من نفسه یرتد فیها اقوام ویثبت فیها آخرون» (همان: ۴۴).

۸. امام رضا علیه السلام :

آن حضرت در پاسخ به سؤالی درباره «قائم اهل البیت» فرمود: «الرابع من ولدی ابن سیده الاماء يطهر به الأرض من کل جور ویقدسها من کل ظالم الذی یشک الناس فی ولادته» (همان: ۶۱).

۹. امام محمد تقی علیه السلام (جواد):

آن امام همام در پاسخ به سؤالی درباره مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه فرمود: «وهو الثالث من ولدی...» (همان: ۷۰).

۱۰. امام هادی علیه السلام:

این امام همام که پدر بزرگ امام حجت عجل الله تعالی فرجه الیه محسوب می شود، جزئیات بیشتری درباره ظهور و غیبت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه به اطلاع شیعیان می رساند، چنان که در پاسخ یکی از یارانش فرمود:

«ومن بعدی الحسن ابني: فكيف للناس بالخلف من بعده؟ قال: فقلت: كيف ذاك يا مولاي؟ قال عليه السلام: لانه لا يرى شخصه ولا يحل ذكره باسمه حتى يخرج فيملا الأرض قسطاً وعدلاً» (همان: ۷۴۹).

شیخ صدوق ده روایت از امام هادی علیه السلام در این باره گزارش نموده است.

۱۱. امام حسن عسکری علیه السلام :

چنان‌که از روایات پیش‌گفته برمی‌آید، به دلیل هراس دشمنان به‌ویژه حکومت عباسی، از ظهور آن مولود آل محمد علیهم‌السلام و تحقق وعده الهی و مضمون روایات موعود عجل الله تعالی فرجه مبنی بر برجیدن بساط ظلم و برپا نمودن حکومت عدل و داد، اصل حیات مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از دیدگاه مردم و حکومت و حتی از دید اکثر شیعیان و نزدیکان امام عسکری علیه السلام مخفی مانده بود. این مدعا و واقعیت را افزون بر منابع تاریخی، می‌توان از منابع روایی نیز کشف کرد؛ مثلاً احمد بن اسحاق، یکی از شیعیان امام عسکری علیه السلام - که برحسب ظاهر از وجود فرزند امام علیه السلام آگاهی نداشت - از حضرت درباره‌ی جانشینی‌اش سؤال می‌کند. حضرت نخست به صورت کلی به اصلی عقلی یعنی «عدم خلو زمین از وجود حجت الهی» تمسک می‌کند. ابن اسحاق با این تمسک، بر ابهام سؤالش افزوده می‌شود و می‌پرسد: «یا بن رسول الله فَمَنْ الْأَمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ؟» (همان: ۲، ۸۱ و ۸۲) در این لحظه، حضرت از اتاق دیگر خانه یک کودک سه ساله می‌آورد و ضمن پاسخ عملی به سؤال، بیان می‌کند که اگر مقام و کرامت ابن اسحاق نزد خداوند و حجت‌های خداوند نبود، یادگار خود را به او نشان نمی‌داد: «یا احمد بن اسحاق لولا کرامتک علی الله عزّ وجلّ وعلی حُجْبِهِ ما عرضتُ علیک ابنی هذا» (همان: ۱۱۶) آنگاه حضرت به غیبت طولانی فرزند خود مانند خضر، اشاره می‌کند و می‌افزاید که به دلیل همین امر، برخی کسان از اعتقاد به مهدویت روی برمی‌گردانند.

۱۲. امام عصر عجل الله تعالی فرجه :

آخرین قسم از روایات مربوط به روایات خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه می‌شود. شبهه

انکار امامت حضرت توسط عمویش جعفر و فرزندانش در بین پیروان خود حضرت نیز جاری بود که یکی اصحاب به نام اسحاق بن یعقوب طی نامه‌ای آن را به خود حضرت مطرح می‌کند. حضرت در جواب به انکار مقام نبوت حضرت نوح توسط فرزندش و نیز انکار مقام نبوت حضرت یوسف توسط برادرانش احتجاج می‌کند (همان: ۲، ۴۸۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳ ق: ۲، ۴۵۲ و ۴۶۹).
 شیخ صدوق در کتاب گران قدر خود، بابتی مستقل را به افراد خاصی که وجود نورانی مهدی موعود عَجَلُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ را در ایام کودکی مشاهده کرده‌اند، اختصاص می‌دهد و در آن با ذکر ۲۶ روایت، جزئیات بیشتری از ولادت حضرت بیان می‌کند (صدوق، ۱۳۸۴: ۴۲ و ۱۴۳).

دوم: ادله و شواهد تاریخی

در صفحات پیشین، با تمسک به روایات پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - که علمشان علم الهی و قدسی و به تبع آن صادق و حجت خواهد بود- تولد امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ به عنوان فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ ثابت شد. با وجود روایات متواتر معصومان، به اثبات نظریه مهدویت از منظر تاریخی نیازی احساس نمی‌شد؛ اما برای توضیح بیشتر و بیان اینکه نظریه مهدویت، از دلایل و شواهد تاریخی نیز برخوردار است، فقط به این موضوع اشاره‌ای می‌کنیم.

الف) گزارش شب تولد توسط عمه امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ

واقعیت‌های تاریخی از سنخ خانوادگی مانند تولد را، نوعاً گزارش‌کنندگان محدود و اکثراً زنان، که در امر تولد و زایمان قرار می‌گیرند، گزارش می‌کنند. این قاعده در جریان ولادت امام مهدی عَجَلُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز جاری بوده است.

۱. ابو عبدالله خُصیبی (م ۳۴۶ ه. ق)، از مورخان معاصر غیبت صغری، در کتاب خود شب تولد حضرت را از حکیمه، عمه امام حسن عسکری عليه السلام گزارش می‌کند. بنابر آن گزارش، امام حسن عسکری عليه السلام حکیمه را احضار می‌کند و از تولد فرزند خود از نرگس به وی خبر می‌دهد. حکیمه که در ظاهر، علائم حاملگی را در نرگس مشاهده نمی‌کند، با تعجب از حاملگی نرگس می‌پرسد. در جواب، حضرت اشاره می‌کند که تولد امامان خصوصاً امام دوازدهم، حالت استثناء و خارق‌العاده دارد (خصیبی، ۱۳۸۰: ۳۵۵).

۲. ابوالحسن علی مسعودی، دانشمند نسب‌شناس و مورخ قرن چهارم (م ۳۴۶ ه. ق)، از استادان مورد اطمینان و وثوق خود نقل می‌کند، وقتی که امام حسن عسکری عليه السلام چشمش به نرگس افتاد، به حالت تعجب رفت. عمه حضرت که ناظر جریان بود، از علت تعجب حضرت پرسید؟ حضرت در جواب فرمود که مولود کریم الهی، از وی متولد خواهد شد. مسعودی در ادامه گزارش خود، باز از عالمان بزرگ چون علان الکلابی، موسی بن محمد الغازی و احمد بن جعفر با سندهای خود جریان ولادت مهدی موعود عليه السلام را از نرگس مانند خُصیبی گزارش می‌کند (مسعودی، ۱۳۷۵: ۲۷۲). مورخان و اندیشه‌وران نامی دیگر مانند ابوجعفر طبری ([بی تا]: ۴۹۸) شیخ کلینی (۱۳۶۵: ۱، ۳۳۰)، شیخ صدوق (۱۳۸۴، ج ۱، باب ۴۲، ح ۱؛ باب ۴۵، ح ۲۷؛ الهدایة: ۳۹)، شیخ مفید (۱۴۱۳ق)، (الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد)، ۴۸۵: ۲، باب ۳۸) جریان شب ولادت را گزارش نمودند که مجال اشاره به آنها نیست (طبرسی، [بی تا]: ۴۱۸، فصل ۱۲).

ب) شاهدان دوران کودکی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

در ضمن روایات پیشین اشاره شد که وجود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از چشم مردم و شیعیان توسط پدرش امام حسن عسکری علیه السلام مخفی نگه داشته می‌شد؛ اما حضرت برای خواص شیعیان خود زمینه مشاهده و ملاقات فرزند خود را فراهم می‌فرمود. مورخان و محدثان، فهرست صحابه امام حسن عسکری علیه السلام، که افتخار رؤیت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره کودکی را کسب کردند، در منابع حدیثی و تاریخی خود گزارش کردند، که اینجا تنها به ذکر اسامی برخی از آنها بسنده می‌شود؛ مانند:

۱. علی بن محمد بلال؛
۲. ابوهاشم جعفری؛
۳. داود بن قاسم جعفری؛
۴. ابو عمر العمری؛
۵. عمر الأهوازی؛
۶. ابو علی بن مطهر؛
۷. محمد بن ابراهیم بن مهزیار؛
۸. عثمان بن سهمیه عمری؛
۹. ابونصر طریف؛
۱۰. نسیم، خادم امام حسن عسکری علیه السلام؛
۱۱. ابوهارون؛
۱۲. محمد بن عثمان العمری؛
۱۳. یعقوب بن نقوش؛
۱۴. عبدالله السوری؛
۱۵. محمد بن صالح؛
۱۶. محمد بن عثمان؛
۱۷. محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر؛ ۱۸. ابوالادیان؛
۱۹. کامل بن ابراهیم

(برای توضیح بیشتر ر.ک: خصیبی، الهدایة الكبرى: ۳۵۸؛ کلینی، کافی، ج ۱، باب مولد الصاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱؛ شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، باب ۳۸؛ طوسی، کتاب الغیبة، باب اثبات ولادة صاحب الزمان؛ ابو جعفر طبری، دلائل الامامة، باب معرفة من شاهده فی حیاة ابيه: ۵۰۵).

شیخ صدوق در کتاب *کمال‌الدین* با استناد به گزارش *محمد بن ابی‌عبدالله* فهرست کسانی از وکلای امام *علیه‌السلام* که معجزه مهدی موعود *عجل‌الله‌تعالی* را مشاهده و حضرت را زیارت کردند، به شرح ذیل با ذکر اسم شهرش آورده است:

۵-۱. عمری و فرزندش، حاجز، *بلالی*، عطار از بغداد؛

۶. *عاصمی* از کوفه؛

۷. *محمد بن ابراهیم بن مهزیار* از اهواز؛

۸. *محمد بن صالح* از همدان؛

۹-۱۰. *سامی و اسدی* از شهر ری؛

۱۱. *قاسم بن علاء* از آذربایجان؛

۱۲. *محمد بن شاذان* از نیشابور.

راوی در ادامه گزارش خود، اسامی پنجاه نفر از غیر وکلاء را ذکر می‌کند که به دیدار حضرت مفتخر شدند (صدوق، ۱۳۸۴، ج ۲، باب ۴۳، ح ۱۶).

ج) گزارش مورخان عصر غیبت صغری

مورخان و عالمان مذاهب و فرقه‌های مختلف در طول تاریخ، بر ولادت مهدی موعود *عجل‌الله‌تعالی* صحه گذاشتند. ما در اینجا تنها به آرای مورخان دوره غیبت صغری (۳۲۹ هـ ق) بسنده می‌کنیم که از آنها برمی‌آید تولد مهدی موعود *عجل‌الله‌تعالی* از ابتدای تحقق آن، مورد اعتقاد شیعیان و مورد تأیید برخی غیر شیعیان نیز بوده است.

ابن‌قبه: از عالمان امامیه دوره غیبت صغری، که در دفاع از امامت مهدی موعود *عجل‌الله‌تعالی* در برابر مخالفان، مکتوباتی را از خود به یادگار گذاشته است. او

در یکی از مکتوباتش در جواب یکی از شیعیان که از شبهه معتزله پرسیده بود، با ادله عقلی و نقلی به اثبات ضرورت نصب مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه از طرف امام حسن عسکری علیه السلام پرداخته است. وی تأکید می‌کند اولیای خاصه آن حضرت، وجود شریف حضرت را مشاهده و آن را به صورت کثرت گزارش کردند، که موجب اطمینان و حجت است (ابن قبه، ۱۳۹۵، ج ۱).

وی در نقد رساله یکی از طرفداران امامت جعفر کذاب به نام *ابوالحسن علی بن احمد بشار*، جوابیه‌ای مستقل نوشت (همان: ۵۱).

سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۲۹۹ - ۳۰۱ هـ ق): وی نیز از عالمان برجسته شیعی در دوران غیبت صغری بود که در کتاب معروف خود *المقالات و الفرق* ضمن گزارش آرا و فرقه‌های مختلف پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، به استناد و مخفی ماندن وجود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه اشاره و اضافه می‌کند که این مسئله را خواص اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام و خود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه می‌دانستند (اشعری قمی، ۱۳۶۱: ۱۰۲ و ۱۰۳).

ابومحمد حسن نوبختی (م ۳۰۰ - ۳۰۱ هـ ق): او در کتاب *فرق الشیعه* خود، بعد از گزارش اقوال مختلف درباره امامت پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام با استناد به روایات معتبر، قول حق را قول امامیه (تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه از نسل امام حسن عسکری علیه السلام و غیبت آن حضرت) معرفی می‌کند.

«الله عزوجل فی الارض حجة من ولد الحسن بن علی ولا یجوزان تخلو

الارض من حجة... وهو خائف مغمور مستور بسترالله تعالی ویظهره اذا

شاء»، (نوبختی، ۱۳۱۵ق: ۱۰۸ و ۱۱۱)

ابوسهیل نوبختی (م ۳۱۱ هـ ق): وی نیز از متکلمان برجسته اواخر قرن سوم

(غیبت صغری) بوده که در نقد مخالفان امامت، کتاب معروف خود به نام *التنبیه فی الإمامة* را نگاشته است. وی برای اثبات تولد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، علاوه بر استناد به روایات دال بر وجود جانشین و خلف برای امام حسن عسکری علیه السلام، به اخبار متواتر افراد ثقه و مورد اطمینان، در گواهی بر وجود فرزند آن حضرت، تمسک می‌کند.

ابن بابویه (م ۳۲۹ هـ ق): وی از عالمان برجسته شیعی و پدر شیخ صدوق است که برای دفاع از نظریه شیعه، کتاب معروف خود *الإمامة والتبصرة من الحيرة* را برای زدودن حیرت برخی شیعیان در اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه نگاشت و در آن، روایات مثبت امامت دوازده امام و غیبت امام دوازدهم را جمع نمود.

ابوحاتم رازی (م ۳۳۲ هـ ق): وی به عنوان عالم سنی دوران غیبت صغری، گزارش می‌کند که شیعیان به دو گروه طرفدار امام حسن عسکری علیه السلام و جعفر منشعب شده بودند (رازی، ۱۳۸۲: ۲۳۷). با اثبات بطلان ادعای جعفر در صفحات آینده آشکار می‌شود که شیعیان از همان دوران طرفدار فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بودند.

ابوالحسن مسعودی (م ۳۴۶ هـ ق): وی در کتاب *قیمة خود*، جریان شب ولادت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه و غیبت وی و نیز وصی امام حسن عسکری علیه السلام بودن مادرش را حکایت می‌کند و در ذیل عنوان «صاحب الزمان» می‌نویسد: «وهو الخلف الزکی بقية الله فی ارضه وحجته علی خلقه المنتظر لفرج اولیائه من عباده» (مسعودی، ۱۳۷۵: ۲۷۰ و ۲۸۵)

محمد بن ابراهیم النعمانی (م ۳۸۰ هـ ق): بعد از گزارش احادیث مهدویت

می نویسد:

«هل هذه احاديث الا دالة على غيبة صاحب الحق وهو شرف الذي شرفه

الشيعة» (۱۳۹۷: ۱۹۷، باب ۱۰)

ابوجعفر محمد بن طبری (م قرن ۴ و ۵ هـ ق): وی درباره فرزند امام حسن
عسکری علیه السلام می نویسد:

«ولده الخلف الصالح القائم صاحب الزمان الإمام المنتظر لأمر الله»

(طبری، [بی تا]: ۴۲۵).

د) گواهی دانشمندان انساب و حروف

برخی دانشمندان، از طریق نسب و شجره و حروف شناسی، به تولد آبا و اجداد
شخص خاص می توانند علم پیدا کنند. البته با وجود روایات پیش گفته و گواهی
تاریخ، به شاهد دیگری نیاز احساس نمی شود؛ اما از آنجا که به این شاهد نیز در
کتاب موعود شناسی اشاره شده است، اشاره به آن خالی از لطف نیست.

نویسنده سنی کتاب *ینابیع المودة* یک باب آن را به همین شاهد اختصاص داده
است (رک: قندوزی ۱۴۱۶ق، ج ۳، باب ۸۶). در اینجا به برخی از این دانشمندان که بر
تولد مهدی موعود از نسل امام حسن عسکری علیه السلام گواهی دادند، اشاره می شود:
۱. سهل بن داود بن سلیمان نجاری، معاصر دوره غیبت صغری (سر السلسلة
العلویة، ۳۹ و ۴۰):

۲. کمال الدین ابوسالم الحسن الحلبي الشافعی در کتاب: *مطالب السؤل فی مناقب*

آل الرسول، و کتاب دیگرش به نام: *الدرر المنظم* (مطالب السؤل، ۱۲۸۷: ۸۹):

۳. صلاح الدین الصفدی در کتاب: *شرح الدائرة* (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۳۴۷):

۴. سید عمری، نسابه مشهور سده پنجم قمری (المجدی فی انساب الطالبین: ۱۳۰)؛
۵. فخر رازی شافعی، نسابه سده پنجم قمری (الشجرة المباركة فی انساب الطالبية: ۷۸)؛
۶. مروزی ازورقانی، نسابه سده ششم قمری (الفخری فی انساب الطالبین: ۸)؛
۷. جمال‌الدین احمد، معروف به ابن‌عنه (نجم‌الطالب فی انساب آل ابی طالب: ۱۹۹)؛
۸. ابوالحسن محمد صنعانی زیدی، نسابه سده یازدهم (روضه الأبواب لمعرفة الأنساب: ۱۰۵)؛
۹. محمد امین سویدی (سبائك الذهب: ۷۸)؛
۱۰. محمد ویس حیدری سوری (الدرر البهية فی الأنساب المیدرية والأوسییه: ۷۳)؛
۱۱. سید محمد بن حسین سمرقندی ملنی (تحفة المطالب بمعرفة من ينسب الى عبدالله و ابی طالب: ۵۴ و ۵۵)؛
۱۲. شریف انس کتبی حسنی (همان: ۵۵؛ الأصول فی ذریة البضعة البتول: ۹۷ - ۱۰۰)؛
۱۳. سید محمد بن احمد بن حمید الدین نجفی (بحر الأنساب: ۳۹؛ به نقل از رضوانی، ۱۳۸۴: ۲۲۱).

سوم: دلیل عقلی

برای اثبات وجود امام مهدی عجل الله، گذشته از آیات، روایات و تاریخ می‌توان از دلیل عقل، با رویکردهای گوناگون استفاده کرد:

الف: عدم خلو زمین از حجت الهی

به نظر می‌رسد هر گونه شبهه درباره وجود امامان و صفات خاص آنان، از تصور نکردن حقیقت مقام امامت و امامان نشئت گرفته است. به بیان دیگر، اگر مشکل تصور درباره امامت و امام حل شود، تصدیق آن نیز خودبه‌خود حل و فصل و شفاف خواهد شد.

مطابق روایات متعدد فریقین، خداوند متعال نخستین بار وجود نورانی پیامبر ﷺ و انوار قدسی اهل البیت و امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام را خلق نمود: «اول ما خلق الله عز وجل ارواحنا فانطقنا بتوحیده و تحمیده» (قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۳، ۳۷۹، باب ۹۱ و ۹۳): اولین مخلوق الهی، ارواح ما [اهل البیت] بود که به توحید و حمد خداوند نطق نمودیم.

این بحث در فلسفه و عرفان مطرح شده است. فلاسفه با مطرح کردن قاعده «الواحد» معتقدند که فیض الهی به مخلوقات از طریق واسطه‌ها و علت‌ها صورت می‌گیرد. عقل اول «حقیقت محمدیه» مخلوق نخستین خداوندی است که آن نیز واسطه فیض به دیگر پدیده‌ها می‌شود. عرفا نیز معتقدند پیامبر اسلام ﷺ نخستین صادر و ظهور الهی، و سایر امامان نیز مظاهر نخستین وجود الهی هستند (محل‌الدین عربی، [بی تا]: ۲، ۵).

به سخن دیگر، انوار قدسی پیامبر ﷺ و امامان، علت واسطه در انتقال فیض الهی در عالم عقول بوده‌اند و هستند. از آنجا که وجود معلول، هم حدوثاً و هم بقائاً به وجود علت خود وابسته است، می‌توان مدعی شد که کل عالم ماده، که معلول عالم برزخ و عقل است، هم حدوثاً و هم بقائاً به وجود نورانی اهل البیت وابسته است.

در عرفان، بحث وجود «انسان کامل» و «ولی مطلق» مطرح است، و قوام عالم دنیا به وجود چنین انسانی وابسته است. مصداق انسان کامل در زمان پیامبران، خود پیامبران بودند و در دوره وفات پیامبر تا ظهور پیامبر دیگر، عرفا معتقدند که خداوند به قدرت خود برخی پیامبران را در قید حیات نگه می‌داشته است؛ مانند یاس، ادريس، عیسی و خضر.

با رحلت پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام و یازده امام دیگر، مصداق بارز «انسان کامل» هستند. امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ إِلَيْهِ بِحُجَّةٍ إِلَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَامًا خَائِفًا مَعْمُورًا» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹): آری زمین تهی نمی ماند از کسی که حجت و دلیل دین خدا را برپا دارد؛ [این حجت] یا آشکار و مشهور، و یا ترسان و پنهان است.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

«نحن امان اهل الأرض كما ان النجوم امان لأهل السماء ونحن الذين بنا يُمسِكُ الله السماء أن تقع الأرض ولولا ما فى الأرض مِنَّا لساخت باهلها» (جوینی خراسانی، ۱۳۵۹ق: ۱، ۴۵)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«بنا فتح الله وبنا ختم الله ونحن الاولون ونحن الآخرون... ونحن علة الوجود» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۲۶، ۲۵۹).

روایات متعددی با این عبارت که: «لولا الحجّة لساخت الارض» وارد شده است، که همگی بر ضرورت وجود حجت الهی در زمین تأکید دارند.

با توجه به تأکید روایات بر ضرورت وجود حجت الهی در بقای زمین و استمرار فیض الهی بر اهلش، نتیجه گرفته می شود که وجود امام معصوم در هر زمان و عصری لازم و ضرور است. با رحلت امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان امام یازدهم، در ظاهر و آشکارا زمین فاقد امام بعدی و حجت الهی است؛ اما چون صراحت روایات بر وجود امام و حجت الهی در هر عصری دلالت می کند، برمی آید که امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی در مقام حجت الهی دارد،

اما به دلایلی وجودش را از مردم مخفی نگه می‌داشت. این امام همام، جزء مصداق «بِحِجَّةٍ خَائِفًا مَّعْمُورًا» در کلام علی علیه السلام است که وجود شریفش تا وقت ظهور و فرج در سراپرده غیبت خواهد ماند.

شایسته نبودن جعفر برای امامت

اگر فرضاً امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشت، امام دوازدهم و حجت الهی بعد از او چه کسی می‌بود تا هم حجت خداوند و هم واسطه فیض الهی بر بندگان استمرار داشته باشد؟ یک احتمال ضعیف این بود که حجت و امام پس از امام حسن عسکری علیه السلام برادر حضرت، جعفر باشد که در صفحات پیشین، سستی این احتمال و فرضیه گذشت، و اکنون به نکاتی دیگر اشاره می‌شود:

۱. شخصیت واقعی جعفر، برای پدر بزرگوارش یعنی امام هادی علیه السلام مشخص بود و لذا از تولدش خوشحال نبود و درباره سرنوشت او نظر مساعدی نداشت. وقتی درباره این نگاه امام علیه السلام به فرزند خود، از آن حضرت پرسیدند، فرمود: وی موجب گمراهی جمعی خواهد شد (الحسنی، [بی تا]: ۲، ۵۵۹). همچنین او را به فرزند نوح تشبیه کرد و به دوری از او امر فرمود (تاریخ سامرا: ۲، به نقل از الحسنی).

۲. جعفر در دوران حیات امام حسن عسکری علیه السلام از مخالفان آن حضرت مانند پیروان فارس بن حاتم، که پرچم مخالفت با حضرت را برداشته و به امر حضرت کشته شده بود، حمایت و جانب‌داری می‌کرد.

امام هادی علیه السلام در پاسخ یکی از اصحابش که بعد از مرور جعفر، از امامت او پرسیده بود، فرمود: صاحب شما، فرزندم حسن [عسکری] است: «قال: لا،

صاحبکم الحسن» (اربلی، ۱۳۸۱ق: ۲، ۴۲۲، طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۵۰، ۲۴۲ و ۲۸۹).

امام هادی علیه السلام در روایات گوناگون بر امامت امام حسن عسکری علیه السلام تأکید کرده است (همان، ۴۰۶). جعفر در زمان خود امام حسن عسکری علیه السلام مورد طرد حضرت بوده است. از این مطلب استفاده می‌شود که او شایستگی امامت نداشت. ۳. جعفر بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام برای تصاحب اموال حضرت به دستگاه جائر شکایت برد در حالی که از رجوع به عملة حاکم جائر، در روایات نهی شده است.

۴. مرگ جعفر پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام بر کذب ادعای امامت وی دلالت می‌کند؛ چرا که زمین از حجت امام الهی خالی نخواهد ماند. با مرگ جعفر، که خود را امام دوازدهم معرفی می‌کرد، عملاً زمین خالی از حجت و امام و واسطه فیض الهی شد. پس مهدی موعود عجل الله فرجه جعفر نیست، بلکه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که زنده و واسطه فیض و حجت الهی است.

ب: قاعده لطف

رویکرد دوم برای اثبات عقلانی ضرورت وجود امام دوازدهم، استناد به قاعده معروف «لطف» است که متکلمان با آن، ضرورت بعثت پیامبران را اثبات می‌کنند، به این مضمون که چون نوع بشر بدون وجود پیامبر، قادر به شناخت صحیح خداوند و چگونگی عبودیت او نیست، لذا فرستادن پیامبران آسمانی، بر خداوند واجب است.

این دلیل با اصل خاتمیت منتفی نشده است؛ چرا که اصل خاتمیت، فقط

فرستادن وحی و پیامبر آسمانی را نفی می‌کند، اما اینکه پس از پیامبر خاتم، خداوند آخرین دین خود را بدون حافظ و مرجع علمی و دینی دارای صفات خاص (علم لدنی و عصمت) یعنی امام معصوم رها کند، با برهان لطف سازگار نیست؛ از این رو وجود امام معصوم نیز لازم است تا به منزله حجّت الهی، به صیانت دین و تفسیر و تبیین صحیح آن پردازد.

این اصل تا دوران امام یازدهم، امام حسن عسکری علیه السلام تحقق یافته است، اما پس از رحلت آن حضرت، این سؤال طرح می‌شود که: امام معصوم، یعنی متولی و مصداق قاعده لطف پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام کیست؟

اگر به نبود حجّت قائل شویم، لازمه‌اش این است که خداوند، آخرین امت و پیروان دین خود را بدون امام و راهنمای معصوم رها گذاشته است و آن با برهان لطف ناسازگار است. اما اگر به وجود حجّت قائل شویم، می‌بایست به وجود فرزند امام حسن عسکری علیه السلام اعتقاد داشته باشیم؛ چرا که پس از رحلت حضرت، امام متصور در دو شخصیت به نام‌های جعفر کذاب و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام منحصر می‌شد، و چون در صفحات پیشین، سستی ادعای جعفر روشن شد، یگانه فرض موجود، «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه» است.

این دلیل را نیز می‌توان از برخی روایات دال بر عدم خلوص زمین از حجّت الهی به منزله مرجع احتجاج خداوند بر مردم و ارشاد آنان استفاده نمود؛ مانند «ان الله جلّ و عزّ اعظم من ان یتّرك الأرض بغير امام عادل» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۱۷۸)؛ «ان آخر من يموت الامام لثلا يحتج احد على الله عز وجل انه تركه بغير حجة لله عليه» (همان: ۱، ۱۸۰)

پاسخ چند شبهه

از مطالب پیشین روشن شد که تعداد امامان، به ویژه وجود و ظهور امام دوازدهم به عنوان امام قائم و موعود آل محمد از نسل پیامبر اسلام ﷺ و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، مورد تأکید و اهتمام روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر امامان قرار گرفته و این اهتمام موجب شده است که باور به «مهدویت» با خصوصیات گفته شده، نه تنها آموزه‌ای شیعی، بلکه آموزه آیین مقدس اسلام، اعم از تسنن و تشیع قرار گیرد.

با وجود این، برخی در تولد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه شبهه افکنی کرده‌اند که در اینجا، به تحلیل و نقد مختصر آن می‌پردازیم.

الف) مهدویت برساخته شیعیان

برخی با تمسک به حوادث تاریخی و برداشت ناقص و تحریف شده از کتب تاریخی و کتب معاصران، چنین القای شبهه می‌کنند که: «گروهی کوچک از یاران امام یازدهم، امام دوازدهم را برساختند» (گنجی، قرآن محمدی، شماره ۲، سایت رادیو زمانه).

خواننده فاضل با رجوع به منابع روایی متقدم پی خواهد برد (چنان‌که در صفحات پیشین اشاره شد) روایات مهدویت از حد تواتر گذشته است و بین شیعه و سنی جزء مسلمات اسلام تلقی می‌شود و پیشینه آن به عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سایر امامان برمی‌گردد. نمونه‌هایی از این روایات در صفحات پیشین گزارش شد. با وجود این، چگونه برخی به خود جرئت می‌دهند که مدعی شوند اصل مهدویت، جزء

برساخته‌های تاریخی شیعیان، آن هم گروه کوچکی از یاران امام یازدهم در قرن سوم است؟! یقیناً مدعی چنین نسبتی، از روایات متواتر و صحیح مهدویت در منابع فریقین اطلاعی ندارد.

ب) وصیت‌نامه امام حسن عسکری علیه السلام به مادرش

منکران وجود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه برای اثبات مدعای خود، به وصیت‌نامه امام یازدهم تمسک کردند و اینکه آن حضرت، در وصیت‌نامه خود فقط به مادرش تصریح دارد و از وجود فرزند خود هیچ خبری نمی‌دهد (همان).

در نقد این شبهه، نکات ذیل درخور تأمل است:

۱. ضعف و سستی این شبهه نیز از متن روایات پیشین روشن می‌شود؛ چرا که مطابق صراحت روایات پیشین، مسئله وجود فرزند امام یازدهم به دلیل تصمیم حکومت عباسی بر نابودی آن حضرت، جزء اسرار امامت و بیت امام حسن عسکری علیه السلام بود که حضرت آن را از مردم، حتی شیعیان (مگر خواص آنان) مخفی نگه داشته بود و بر اساس وعده الهی قرار بود فرزند آن حضرت، در همان کودکی بعد از شهادت امام یازدهم، از چشم مردم پنهان و در سرای غیبت زندگی کند. از این رو مصلحت اقتضا می‌کرد که حضرت در وصیت‌نامه خود نیز این مسئله را مخفی نگه دارد تا در صورت اطلاع مخالفان از مضمون وصیت‌نامه، هم موجب اذیت و آزار مادرش نشوند و هم از این طریق از تولد و محل نگهداری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه اطلاع پیدا نکنند.

شبهه وصیت را از اوایل غیبت، مخالفان مطرح کرده‌اند و متکلمان امامیه مانند شیخ مفید* جواب گفته‌شده را ارائه کرده‌اند.

۲. نکته پیشین بنا بر اشاره نکردن امام حسن عسکری علیه السلام اعم از کنایه و تصریح به نام فرزند خود در وصیت‌نامه‌اش بود، که طراح شبهه مدعی آن بود. نگارنده هر چند اصل وصیت‌نامه حضرت خطاب به مادرش را با فحص و استقرای ناقص خود نیافت، از ذیل عبارت‌هایی که طراحان شبهه به آن توسل جستند، احتمال اشاره و کنایه به وجود فرزند برای امام حسن عسکری علیه السلام در وصیت‌نامه مزبور استفاده می‌شود. آنجا که بحث تقسیم میراث حضرت بین مادرش و جعفر مطرح می‌شود، مادر حضرت مدعی وصیت می‌شود: «وَادَّعَتْ أُمَّهُ وَصِيَّتَهُ وَثَبْتُ ذَلِكَ عِنْدَ الْقَاضِي» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۵۰۵) بعد از این عبارت، در منابع تاریخی و روایی چنین آمده است: «وَالسُّلْطَانُ عَلِيُّ ذَلِكُ يَطْلُبُ أَثَرَ وَلَدِهِ» (همان): خلیفه و سلطان بر این اساس [وصیت‌نامه] در صدد یافتن اثر و نشانه‌ای از فرزند [امام حسن عسکری علیه السلام] برآمد.

پس وصیت حضرت به گونه‌ای تنظیم شده بود که با ادعای آن توسط مادرش، احتمال داشتن فرزند بیشتر قوت گرفت، بلکه برای سلطان یقینی شد، به نحوی که در صدد یافتن وی برآمد.

دلیل دیگر بر استنباط تولد مهدی موعود علیه السلام از وصیت‌نامه پدرش (و

* ر.ک: المسائل العشر؛ فصل «المسائل العشرة» است که اخیراً به همین نام توسط انتشارات دلیل ما در قم چاپ و منتشر شده است.

حداقل احضار مادر حضرت به دادگاه) عبارت و گواهی ابو جعفر طبری، در کتاب خود *دلائل الامامة* است. او می نویسد: «قدمت ام ابی محمد من المدينة... وسعایتہ [جعفر] بها الی السلطان وکشف ما امر الله بستره» (طبری، [بی تا]، ۴۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۵۰، ۳۳۱): مادر امام یازدهم از مدینه به سامرا آمدند... بعد جعفر از مادر حضرت به سلطان شکایت نمود که آنچه خداوند به ستر و اختفاء آن امر نموده بود، کشف شد.

پس اولاً ذکر نشدن نام امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه در وصیت نامه، که طراح شبهه آن را پیش فرض گرفته است، با مسئله ولادت تعارضی ندارد، که توجیهش گذشت. ثانیاً ظاهر وصیت نامه، مثبت ولادت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه بود که موجب نگرانی و به تبع آن تفتیش جایگاه حضرت شد.

ج) تقسیم ارث امام حسن عسکری علیه السلام بین مادر و برادرش

یکی از شبهات سست این است که اگر امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به نام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه داشت، چرا ارث ایشان به فرزندش نرسید، بلکه بین مادر و برادرش، جعفر تقسیم شد؟ (گنجی، پیشین)

خواننده فاضل، از مطالب پیشین پاسخ این شبهه را درمی یابد؛ چرا که اولاً داشتن فرزند امام حسن عسکری علیه السلام از دستگاه حکومت و بلکه از اکثر شیعیان، جز خواص، مخفی نگه داشته شده بود. بر این اساس اگر مادر حضرت، هنگام وفات ایشان صریحاً از وجود فرزندش خبر می داد، نه تنها ارث و دارایی امام حسن عسکری علیه السلام به فرزندش مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه نمی رسید، بلکه جان حضرت و جان مادرش نیز مورد تهدید مرگ قرار می گرفت و همه دارایی

حضرت به جعفر منتقل می‌شد؛ کسی که صلاحیت امامت نداشت، با خود امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه نیز مشکل داشت و امام با وی متارکه کرده بود، و نیز از مخالفان امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه مانند فارس بن حاتم حمایت و جانب‌داری می‌کرد (ر.ک: النقص بند ۱۰؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ۱، ۵۷؛ مدرسی، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

بر این اساس تقسیم‌داری امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه بین مادر حضرت و برادرش جعفر، با فرض اختفای فرزند آن حضرت، «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه» امر طبیعی بود.

این نکته یعنی با وجود حیات مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه که همه ارث پدرش به او رسیده بود و و دارایی امام یازدهم، اموال آن امام همام محسوب می‌شد، ارث آن حضرت به دیگران تقسیم می‌شود، در روایات ائمه طاهرین وارد شده «یقسّم میراثه و هو حی» (طبرسی، [بی تا]: ۴۰۱) و این خود گواه بر صدق غیبگویی امامان است.

د) حمایت خواهر امام عجل الله تعالی فرجه از جعفر

یکی دیگر از شبهات مخالفان، تمسک به حمایت خواهر امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه از دیگر برادر خود، یعنی جعفر کذاب است. آنان مدعی‌اند که اگر واقعاً امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه فرزندی به نام «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه» داشت، خواهر امام عجل الله تعالی فرجه به نام فاطمه از آن آگاه بود و بالتبع از او حمایت می‌کرد؛ در حالی که فاطمه از امامت برادرش جعفر جانب‌داری نمود. پس برخی اهل بیت امامان نیز در وجود مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه تردید و چه بسا به نبود او یقین داشتند (گنجی، همان).

در نقد این شبهه، نکات ذیل قابل تأمل است:

۱. فاطمه خواهر جعفر، که خواهر ناتنی امام حسن عسکری علیه السلام نیز محسوب می‌شود، انسانی معصوم نبود؛ از این رو درباره وی نیز دو احتمال هست:
الف) ممکن است امام حسن عسکری علیه السلام تولد فرزند خود مهدی موعود فرجه الله تعالی را از او نیز مخفی نگه داشته بود، چرا که رابطه فاطمه با جعفر، که برادر تنی وی بود و نسبت به امام علیه السلام یعنی برادر ناتنی او صمیمانه‌تر بود و لذا ممکن بود وی جریان تولد مهدی موعود فرجه الله تعالی را به جعفر اطلاع دهد و از این طریق خبر به دستگاه حکومت منتقل شود.

پس اطلاع نداشتن فاطمه، خواهر ناتنی امام حسن عسکری علیه السلام، از تولد و وجود مهدی موعود فرجه الله تعالی امر محتمل است و لذا حمایت وی از برادرش با این فرض نیز غیر طبیعی نبود؛ اما از آن نمی‌توان نبود مهدی موعود فرجه الله تعالی را اثبات کرد.

ب) فاطمه از تولد مهدی موعود فرجه الله تعالی خبر داشته است، اما به سبب مسائل مادی و دنیوی، به جای حمایت از برادرزاده خود «مهدی موعود فرجه الله تعالی»، از نزدیک‌ترین نسب خود یعنی جعفر، برادرش پشتیبانی نمود، تا اولاً با انکار فرزند داشتن امام حسن عسکری علیه السلام وی نیز به عنوان خواهر امام عسکری علیه السلام از ارث وی سهمی داشته باشد و نیز مدعی شراکت در امامت یا انتخابگر امام و رهبر شیعیان (برادر خود) باشد و از این طریق به آرزوی دیگرش برسد.

هر دو فرض (اطلاع نداشتن از تولد مهدی موعود فرجه الله تعالی یا اطلاع از آن) به نظریه شیعه، حرجی وارد نمی‌کند.

۲. اگر جعفر و خواهرش، با وصفی که گذشت، منکر ولادت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه شدند، در مقابل، شخصیت بزرگ و محترمی چون مادر امام حسن عسکری علیه السلام به نام حُدیث، وصی امام علیه السلام و عمه حضرت به نام حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام طرفدار ولادت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه بودند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۲۹ و مدرسی، ۱۳۸۶: ۱۶۱)

۳. نکته آخر اینکه به مرور زمان، اکثر نسل و نوادگان جعفر، متوجه آفتاب حقیقت و قائل به ولادت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه شدند. چنان که شیخ مفید در سال ۴۱۲ هجری قمری در کتاب *الفصول العشرة* (ر.ک: *الفصول العشرة: ۳۵۶*) و شیخ طوسی در سال ۴۴۶ هجری قمری در کتاب *الغیبة* گزارش می‌کنند که فرقه‌ای طرفدار امامت جعفر وجود ندارد (مدرسی، همان: ۱۶۵).

دیدگاه شیخ احسائی و سید کاظم رشتی

فرقه بابیه و بهائیه و در رأس آنها خود باب و بهاء، که مدعی آیین جدید و مظهریت و تجلی الهی در خودشان هستند، خود را از مریدان و پیروان شیخیه، یعنی شیخ احمد احسائی، بنیان‌گذار شیخیه؛ و سید کاظم رشتی، جانشین احسائی می‌دانند و بر این باورند که آن دو، به ظهور مهدی موعود در زمان نزدیک معتقد بودند و بلکه احسائی و رشتی، مبشر ظهور باب به عنوان قائم آل محمد و مهدی موعود، و بهاء قائل به عنوان رجعت و ظهور حسینی بودند.

بهاء درباره وجود علایم و مبشر برای هر پیغمبر می‌نویسد:

« تا رسید به این امر بدیع منیع [باب] او اکثر از منجمان خبر ظهور نجم را در سماء ظاهره داده‌اند؛ و همچنین در ارض هم نورین نیرین، احمد و کاظم، قدس الله تربتهما». (بهاء، ۱۹۹۸م: ۴۳).

فاضل گلپایگانی نیز در کتاب معروف خود *الفرائد* به آن تصریح می‌کند. (گلپایگانی، ۲۰۰۱م: ۳۴۷ و ۳۴۸).

در واقع فرقه بابیه و بهائیه، در صدد مصادره گرایش شیخیه به نفع فرقه خود برآمدند.

اعتقاد احسائی به محمد بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الیهم

شیخ احسائی و سید رشتی در اثبات طریقه امامیه در باب مهدی قائم و اینکه موعود امت اسلام، پسر بلا واسطه امام حسن عسکری علیه السلام غائب حیات است و اینکه او از اوصیا و خلفا و داعی به دین اسلام است، در آثار کثیر خود بسیار تأکید نموده‌اند، که ذکر تمام آن موجب ملالت خواهد بود؛ برای نمونه به ذکر مواردی بسنده می‌شود:

الف) شیخ در کتاب *العصمه و الرجعه*، که در غیبت و سنن قائم غائب نوشته است، براخبار مثبت وجود حجّه بن الحسن و غیبت و حیات و عمر طولانی اش تمسک کرده است (احسائی، [بی تا]: ۱۳۳ به بعد) که مفاد و ویژگی‌های آنها تنها بر امام عصر غائب عجل الله تعالی فرجه الیهم و نه جوانی ۲۷ ساله و شیرازی تطبیق می‌کند؛ چرا که باب نه غیبتی و نه طول عمری داشت و نه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام بود، بلکه اسمش علی محمد، فرزند رضاشیرازی متولد ۱۲۳۵ هجری قمری بود.

آیا صاحب چنین رساله‌ای، مبشر باب یعنی علی محمد، پسر رضابزاز شیرازی می‌شود و خبر این مذهب را می‌دهد که با موعود روایات کتاب خود، مخالف و ضد باشد؟ پاسخ آن را به خود خواننده حواله می‌دهیم.

(ب) این دو بزرگوار در مؤلفات خودشان تأکید نموده‌اند که هیچ گاه زمین خالی از حجت و معصوم نمی‌ماند، والا زمین اهلش را نابود خواهد ساخت: «لساخت بأهلها». آنان اخبار متواتر وارد به این مضمون را در مباحث خود ثبت نموده‌اند (احسائی، [بی تا]: ۴۵).

صاحب این عقیده چگونه در مدت هزار سال زمین را خالی از حجت فرض می‌کند تا اینکه این مدعی ظاهر شود و زمین و آسمان به او پایدار و برقرار باشد؟!

(ج) شیخ در شرح الزیارة الجامعه معروف خود، مهدی را همان که امامیه قائل‌اند تعیین می‌نماید. او در شرح «ویحشر فی زمرتکم»، پس از ذکر آیه «لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلَفُونَ» (نحل: ۳۹) می‌نویسد: «یعنی لیبین لهم أنه [یعنی المهدی] من صلب الحسن العسکری و أنه الان موجود حیّ إلى أن يخرج ويملاها قسطاً وعدلاً» (احسائی، ۱۴۲۴ق: ۳، ۱۵۸).

(د) همچنین او در شرح عبارت «وحجج الله على أهل الدنيا» مرقوم داشته است: «و قائم حیّ موجود است» (همان: ۱، ۱۱۵).

او در موضعی می‌نویسد آنچه روایات شیعه و سنی بر آن دلالت دارد و اجماع اهل البیت و شیعه ایشان بر آن قائم شده این است که مهدی محمد بن الحسن العسکری است و او زنده است تا خارج شود (همان: ۳، ۴۱ به بعد).

ه) شیخ در شرح عبارت «تولیت آخرکم بما تولیت به اولکم» می‌نویسد: «واقعیت آن است که روایات موجود در منابع شیعه و سنی بر آن شهادت می‌دهد (همان: ۱، ۳۰۵؛ ۳، ۲۳۳)».

آیا با این کلمات صریح مشهور معروف چه اندازه بی‌شرمی و بی‌حیایی می‌خواهد که چنین افترا و تهمتی درباره‌ی فریب عوام به این شیخ جلیل بسته شود؟!

اعتقاد سید رشتی به محمدبن‌الحسن وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ

سید رشتی نیز در این مقوله از استاد خود تبعیت کرده است، که اینجا به مواردی از سخنان وی اشاره می‌شود.

الف) وی بر خلاف بهائیان که در امام یازدهم یعنی حضرت حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ متوقف شدند، نه به یازده امام که به دوازده امام معتقد است، چنان‌که در تبیین یک ضلع از چهار ضلع شرافت و عظمت پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌نویسد: «بنی [تعالی] علیه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بیتاً مربعاً نسبیه الی نفسه وعظمه وکرّمه فالرکن الثالث بازاء علیّ ولیکم والأئمة الأحد من ولده وفاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ اولیاءکم وأمناءکم وهو "لا اله الا الله" ألا تراہ اثنی عشر احرفاً»، (رشتی، ۱۲۷۰ق: ۱، ۱۴۸).

شاید اینجا این شبهه مطرح شود که سید در عبارت فوق، اسمی از حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ به میان نیاورده است. در دفع این شبهه باید گفت خود وی علت آن را در عبارات ذیل چنین تبیین می‌کند:

ب) سید در تفسیر «وآله الطاهرين» می‌نویسد:

«اما الآل فمستغن عن الکلام اذ لا کلام بین الفرقة المحقة انهم

الأئمة المعصومين عليّ وفاطمة والحسن وعليّ محمد وجعفر
وموسى وعليّ ومحمد والحسن والحجة الخلف القائم المنتظر
عليه السلام اجمعين» (همان: ۱۲۴ و ۱۲۷) .

وی علت ذکر اسامی سیزده معصوم را دفع توهم فوق، یا اعلان و اظهار اسامی آنان نمی‌داند؛ چرا که حقیقت وجود آنان مانند آفتاب ظهر است؛ بلکه علت ذکر اسامی آنها را تیمن و تبرک وصف می‌کند:

«انما ذكرتُ أسمائهم الشريفة مع انهم في الظهور كالشمس في رابعة
النهار تیمنا وتبرکا» (همان: ۱۲۴).

خواننده متفطن به روشنی و وضوح درک می‌کند که با وجود چنین تصریحاتی از احسائی و رشتی بر مشخصات مهدی موعود عليه السلام، تطبیق آن بر باب دارای شناسنامه‌ای که نام او را علی محمد فرزند بزاز شیرازی، متولد در شیراز ذکر می‌کند، و دارای تحصیلات ناقص و ابتدایی علوم حوزی است؛ و یا تطبیق رجعت امام حسین عليه السلام بر بهاء که او نیز دارای شناسنامه مشخص است، افترای بزرگ و آشکار بر آن دو عالم بزرگ شیعی است، و چنین ادعا و تهمتی خود بهترین دلیل بر ابتدای بهائیت بر دروغ و تهمت است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب و ادله‌ای که در این مجال به آنها اشاره شد، تولد امام مهدی موعود عليه السلام از امام حسن عسکری عليه السلام قطعی است؛ چرا که ادله نقلی و عقلی که پیش‌تر اشاره شد بر آن دلالت دارد و روایات معصومان اعم از پیامبر صلى الله عليه وآله و دوازده امام، تولد مهدی موعود عليه السلام را به عنوان امام دوازدهم از نسل امام

حسن عسکری علیه السلام پیشگویی کرده، به تعبیر دقیق، آنها از علم قدسی و لدنی خود آن را خبر دادند و چون علم آنان الهی و قدسی است، حجت و مطابق واقع خواهد بود.

افزون بر روایات، تاریخ نیز بر این امر گواهی می‌دهد، چنان‌که گواهی مورخان معاصر دوره غیبت صغری گزارش شد.

دلیل سوم مثبت تولد مهدی موعود عجل الله فرجه، دلیل عرفانی و فلسفی مبنی بر ضرورت وجود حجت الهی در زمین و نیز دلیل متکلمان، یعنی برهان لطف بود که توضیحش گذشت.

رهاورد ادله پیشین، تولد امام دوازدهم از نسل امام حسن عسکری علیه السلام است که مورد اتفاق امامیه و برخی عالمان اهل سنت است. لازمه چنین رهاوردی، کذب ادعای بهائیت یعنی فرزند نداشتن امام حسن عسکری علیه السلام و کذب ادعای باب درباره خود به عنوان مهدی موعود است؛ چرا که «مهدی موعود» در اسلام فقط یک مصداق دارد و آن بر حسب ادله پیشین، بر فرزند امام حسن عسکری علیه السلام تطبیق می‌کند. با اثبات این حقیقت، کذب سخنان مدعیان دروغین مهدویت مثل باب آشکار می‌شود.

روشن است اثبات یک دروغ و کذب بر مدعی مقام قدسی مثل امامت یا مظهریت الوهیت، ادعای او را از بن مخدوش می‌کند؛ در نتیجه ادعای امامت یا الوهیت علی محمد باب دروغ است، و با مبانی قطعی شیعه و سنی تباین دارد.

منابع و مأخذ

۱. ابن قبه، ۱۳۸۴، مسألة في الإمامة، مندرج در: شيخ صدوق، كمال الدين، قم.
۲. احسائي، شيخ احمد، [بي تا]، رسالة العلمة والرجعة، [بي نا]، [بي جا].
۳. _____، ۱۴۲۴ق، شرح الزيارة الجامعة، مكتبة العذراء، [بي جا].
۴. اربلي، علي بن عيسى، ۱۳۸۱ق، كشف الغمة، مكتبة بني هاشم، تبريز.
۵. باب، علي محمد، [بي تا]، بيان فارسي، [بي نا].
۶. _____، ۱۲۶۱ق، تفسير سورة يوسف، نسخة كتابخانه آستان قدس رضوي، مشهد.
۷. بهاء، حسينعلي، ۹۹۸م، ايقان، مؤسسه ملي مطبوعات بهائي، آلمان.
۸. جويني خراساني، ابراهيم، ۱۳۵۹ق، فرائد السمطين، مؤسسه المحمودي، بيروت.
۹. الحسنی، المعروف، [بي تا]، زندگی دوازده امام، [بي نا]، [بي جا].
۱۰. خصیبي، ابو عبدالله، ۱۳۶۱، الهداية الكبرى، انتشارات علمی و فرهنگي، تهران.
۱۱. رازی، ابوحاتم، ۱۳۸۲، الزیئة، ترجمه علی آقانوری، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم.
۱۲. رشتی، سید کاظم، ۱۲۷۰ق، شرح خطبه الطننجیه، سنگی، تبریز.
۱۳. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۴، موعودشناسی، انتشارات مسجد جمکران، قم.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، [بي تا]، منتخب الأثر، مكتبة الصدر، تهران.
۱۵. صدوق، (شيخ)، ۱۴۱۸ق، الهداية، مؤسسه الامام المهدي، قم.
۱۶. صدوق، (شيخ)، ۱۳۸۴، كمال الدين، انتشارات مسجد جمکران، قم.
۱۷. صدوق (شيخ)، ۱۳۹۵ق، كمال الدين، دارالكتب الاسلاميه، قم.
۱۸. طبرسي، ابومنصور، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج، نشر مرتضى، مشهد.
۱۹. طبرسي، (امين الاسلام)، [بي تا]، اعلام الوری، دارالكتب الاسلاميه، تهران.
۲۰. طبري، محمد بن حرير، [بي تا]، دلائل الامامة، دارالذخائر، قم.

۲۱. طوسی، شیخ، ۱۴۱۱ق، الغیبة، مؤسسه معارف اسلامی، قم.
۲۲. قندوزی حنفی، سلیمان، ۱۴۱۶ق، ینابیع المودة، دارالأسوة، بیروت.
۲۳. کلینی، (ثقة الاسلام)، ۱۳۶۵، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۴. گلپایگانی، ابوالفضل، ۲۰۰۱م، کتاب الفرائد، مؤسسه ملی مطبوعات امری، آلمان.
۲۵. گنجی، اکبر، قرآن محمدی، شماره ۲.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ق، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت.
۲۷. محی الدین عربی، [بی تا]، الفتوحات المکیة، دارصادر، بیروت.
۲۸. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، ۱۳۸۶، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزدیناه، کویر، تهران.
۲۹. مسعودی، ابوالحسن، ۱۳۷۵، اثبات الوصیة الامام علی علیه السلام، انتشارات انصاریان، قم.
۳۰. المغربي، القاضی النعمان، ۱۴۱۴ق، شرح الأخبار، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۳۱. مفید، (شیخ)، ۱۴۱۳ق، الارشاد، کنگره شیخ مفید، قم.
۳۲. _____، ۱۴۱۴ق، الفصول العشرة، دارالمفید، بیروت.
۳۳. _____، ۱۴۱۳ق، الفصول العشرة، کنگره شیخ مفید، قم.
۳۴. نعمانی، محمدبن ابراهیم، ۱۳۹۷ق، کتاب الغیبة، مکتبة الصدوق، تهران.
۳۵. نوبختی، حسن بن موسی، ۱۳۱۵ق، فرق الشیعة، نشر حیدریه، نجف.